

نخستین شرط ترجمه قرآن کریم به زبان‌های مختلف جهان

دکتر ابوالقاسم امامی

متن شریف قرآن کریم، بارها و بارها به زبان‌های مختلف ترجمه گردیده است. میراث عظیم ترجمه‌های نامه آسمانی ما که از دیرباز در همه زبان‌ها بر جای مانده از شمار بیرون است. ترجمه‌ها پیاپی ظهور می‌کنند، بارها نقد می‌شوند، نقدها را مترجمان می‌خوانند، باز می‌بینیم و می‌شنویم که هیچ ترجمه‌ای راضی‌کننده نیست. نه راضی‌کننده مترجم است که رنجی فراوان برده، نه راضی‌کننده نقاد که بی‌هیچ سنجه مورد اتفاق به ارزیابی کار می‌نشیند و از عیب‌ها و هنرها سخن می‌گوید. چنین به نظر می‌رسد که اشکال اساسی را یا اصلاً ندیده‌ایم یا از آن تغافل می‌کنیم.

قرآن کتاب آسمانی یک میلیارد مسلمان است که زبان‌های گوناگون دارند. پدیده‌ای است شگفت که در روند تکامل و اعتلای فرهنگ بشری اثری انکارناپذیر نهاده است. سخن‌های گوناگونی که در باب ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی در میان است، در زمینه تک تک زبان‌های جهان نیز کم و بیش وارد است. مسلمان عرب زبان چنین مشکلی ندارد. یک فرد عرب مستقیماً با متن خالص قرآن کریم روبه‌روست و کسی اعم از مترجم و مفسر، در میان او و قرآن فاصله نیست. عرب زبان هنگامی که قرآن می‌خواند، فقط قرآن می‌خواند. یعنی قرآن است و متن قرآن؛ قرآن است و زبان قرآن؛ نه چیز دیگر. یعنی جای تفسیر در تفسیرها و جای توضیح در هوامش و حواشی است.

در باب مسلمان غیر عرب با توجه به نکته‌ای که به آن اشاره رفت، مطلوب این است که

وی، یعنی مسلمان غیر عرب نیز در برخورد با قرآن در سطح توده عرب زبان قرار گیرد، و همان بهره‌ای را که عرب زبانان از آن می‌برند، غیر عرب از جمله پارسی زبانان نیز از خواندن آن ببرند و همان معانی یا همان پیام را - از این حیث که قرآن متنی است و زبانی دارد - از آن دریافت کنند، و در صورت احساس نیاز به تفصیل، به تفسیر یا حواشی مترجمان مراجعه کنند.

گواه ما در این سخن این مطلب است که، آن هنگام که آیات پراکنده قرآن کریم در مصحفی فراهم می‌آمد، دغدغه بزرگان اسلام چیزی جز این نبود که کلام وحی بی هیچ تغییری در کلمه‌ای، حرفی یا حرکتی، ضبط و قید شود و با آن که گونه‌هایی از ابهام در پاره‌ای مفردات و ترکیبات و شأن نزول و ناسخ و منسوخ و جز آن از همان آغاز در میان بود، باز هیچ‌گونه توضیحی بر متن یا در حواشی قرآن کریم نیفزایند. پس، مطلوب منطقی هر خواننده عادی ترجمه قرآن نیز، به تأیید عقل باید در همین حد باشد، یعنی فهم متن قرآن و شیوه سخنش، چنان که عرب زبان در می‌یابد. حساب و جای تفسیر و توضیح جداست.

با این همه، ترجمه قرآن شرایطی دارد. اسبابی است که باید در نزد مترجم فراهم بوده باشد. فنون پیراقرآنی که در فهم قرآن دخیل‌اند، در نزد زرکشی سبب نوع است که در نزد سیوطی در اتقان در هشتاد گونه، دمج و تخفیف یافته است. زمخشری به گونه‌ای دیگر، شرایط تفسیر و فهم قرآن و در نتیجه ترجمه آن را در پانزده عنوان خلاصه کرده است. چیزی که متخصصان مطالعات قرآنی به خوبی از کم و کیف آن آگاه‌اند.

ولی دشواری از همین جا آغاز می‌شود. تفسیر معیار کدام است؟ علوم قرآنی، با کدام پژوهش و با کدام دبستان فکری حجت است؟ در ترجمه متن قرآن، توضیحات تفاسیر و علوم قرآنی تا آن جا که به طبیعت زبان قرآن مربوط می‌شود، بسیار مغتنم است. مقصود از زبان قرآن - باز به تأیید عقل - همان است که قوم مخاطب قرآن، در تاریخ و جغرافیای معینی بدان تکلم می‌کرده‌اند که برای خود دارای ویژگی‌های معناشناختی و زبان شناختی است و به تعبیر خود قرآن «به زبان تازی روشن» است.

با توجه به آنچه به اجمال گفته شد، پیشنهاد می‌شود:

۱- منابع مربوط به زمینه علوم قرآنی، تفسیر، فرهنگنامه‌های قرآنی، به ویژه مطالعات نوین زبان شناختی که ما را به طبیعت ساختارهای زبان عربی رایج در زمان نزول قرآن برساند و همچنین ترجمه‌های ملل از قرآن کریم، یا هرگونه مطالعاتی که در باب قرآن صورت گرفته است، در یک کتابخانه تخصصی گردآوری شود.

۲- دانشمندان متخصص در تاریخ و ادب عرب، زبان‌شناسان و معناشناسان زبان عرب،

در سراسر گیتی بی هیچ حساسیتی شناسایی شوند.

۳- همه نکته‌های موجود در منابع یاد شده، به ویژه از آن جهت که به مفردات و ترکیبات و خصایص زبان قرآن در تاریخ و جغرافیای ویژه‌اش مربوط می‌شود گردآوری و دسته‌بندی شود و با استفاده از نعمت رایانه، آسان در دسترس قرار گیرد.

۴- همه وجوه و اختلاف برداشت‌هایی که در معنای هر مفرد یا هر ترکیب قرآنی، در این منابع وجود دارد، مورد بحث و تبادل نظر علمی و روشمند دانشوران متخصص و قرآن شناس قرار گیرد و آن همه وجوه در معانی الفاظ و تعابیر قرآنی، صرفاً از حیث زبان، به وجه واحدی برسد.

۵- حاصل این تلاش مشترک که از سوی کارشناسان طراز اول جهان قرآن شناسی صورت پذیرفته، به امضای همه رهبران مذهبی جهان اسلام - از طریق کنفرانس سران اسلامی - برسد، به طوری که حجیت آن در هر کشور و حوزه اسلامی آشکار باشد و مورد قبول واقع گردد.

۶- سپس این فرهنگنامه رسمی قرآن که نهایی و کامل است، به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی با دقت و وسواس لازم تهیه شود و به مهر تأیید مجلد مهمور شود.

۷- در باب تفسیر و توضیح که در پاورقی ترجمه‌ها خواهد آمد، کاری مشابه آنچه معروض افتاد به طور نسبی صورت گیرد.

۸- سرانجام حاصل نهایی این کوشش مقدس در همه کشورهای اعم از اسلامی و غیر اسلامی به عنوان فرهنگنامه رسمی زبان قرآن و تنها مرجع مترجمان جهان رسماً منتشر شود.

در آن هنگام است که هر مسلمان یا غیر مسلمان، در هر حوزه زبانی، که مایل به فهم قرآن، یا ترجمه کردن آن برای همزبانان خود باشد، می‌تواند با اطمینان خاطر به معانی مورد اتفاق زبان قرآن دسترسی یابد و در زبان فارسی نیز علاوه بر امکان تهیه یک ترجمه رسمی، میدان برای اعمال ذوق و هنر در ترجمه قرآن، بی هیچ دغدغه‌ای باز بماند. این چنین است که قرآن، از آن پس، آسان و بی تنش، در سراسر جهان انتشار خواهد یافت و همه، از خودی تا بیگانه، با قرآن به وجه درست آشنا خواهند شد. به نظر نگارنده، این کار در رأس اهداف فرهنگی انقلاب اسلامی ما و همه رهبران فکری جهان اسلام است، زیرا هر کار اسلامی راستین از قرآن آغاز می‌شود.

